

فصلنامه علمی- پژوهشی علوم اجتماعی، دوره ۱۱، ویژه‌نامه پیشگیری از جرم و حقوق، زمستان ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۸

صص ۶۸۵ - ۶۹۴

تلقی جرم انگارانه از اقدام به خودکشی (ناموفق) و برخی صور مداخله در ارتکاب آن در حقوق جزایی ایران

پیمان حسین زاده^۱، ایرج گلدوزیان^۲

۱- دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

۲- استاد گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

(نویسنده مسئول)

چکیده

«خودکشی»، رفتاری است که در آن مرتکب به صورت (غالباً) ارادی و با میل و خواست باطنی به زندگی خود پایان می دهد. به واقع نوعی است از «قتل»، نه «مردن» که فاعل و مفعول آن از وحدت برخوردار می باشد. در حرمت این عمل بین فقها و حقوقدانان إجماع متقنی وجود دارد تا جایی که دست یازیدن به خودکشی را در زمره معاصی و گناهان کبیره قلمداد نموده اند لیکن بحث اصلی آن جا است که آیا با توجه به معیارهای جرم انگاری (بالأخص در نظام حقوقی حاکم بر کشور ما) - اگر نگوئیم نفس خودکشی - قلمرو و حواشی آن، همچون شرکت، معاونت، تسبیب و ... قابلیت قرار گرفتن در دایره شمول «جرم» و متعاقباً «مجازات» را در مفهوم عام و کلی دارد یا خیر؟ لذا در پژوهش حاضر، سعی گردیده موضع حقوق کیفری ایران نیز در این خصوص تبیین و سپس مستندات توجیهی در ارتباط با لزوم یا عدم لزوم جرم انگاری خودکشی و شقوق مختلف ارتکاب آن ضمن توجه به تحرکات هر چند ملایم و محتاطانه قانون گذار طی چندین سال اخیر مانند وضع بند «ب» ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه ای (۱۳۸۸) و یا مواد ۲۹۵ و ۳۷۹ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) عرضه گردد.

واژگان کلیدی: خودکشی، گناه، جرم، حرمت، مجازات.

مقدمه

خودکشی که از آن تعبیر به «انتحار» نیز می‌گردد، یک امر تصادفی نیست بلکه با هدف و نقشه قبلی توأم با میل و اراده مرتکب به وقوع می‌پیوندد. به همین جهت منظور از این پدیده در علم حقوق، بررسی وضعیتی است که انسان عمداً خود را بکشد. بر خلاف دگر کشی که عناوین قتل غیر عمدی و خطایی مطرح می‌شود عنوان «خودکشی غیر عمد یا خطایی» مصداق و موضوعیت ندارد و قربانیان این واقعه تنها کسانی هستند که عالماً و عامداً دست به این اقدام می‌زنند در نتیجه می‌توان گفت که افرادی خاص، تحت شرایطی ویژه اقدام به خودکشی می‌کنند. به همین جهت فکر خودکشی، پدیده‌ای راکد و ایستا نیست بلکه امکان دارد با گذشت زمان و تغییرات مکان، کاهش یا افزایش یابد.

از منظر حقوق کیفری هرچند به تصور کلاسیک و سنتی، خودکشی جرم نبوده و بالتبع معاونت و مشارکت در آن نیز واجد جنبه جزایی نمی‌باشد لیکن فقدان نص صریح، مبنی بر جرم نبودن خودکشی در وهله نخست موجب این توهم خواهد بود که خودکشی و طرق مختلف نیل به آن، عمل مباحی است و انسان به جسم و جان خود، سلطه مطلق دارد و می‌تواند موجبات سلب حیات خویش را به دستان خود فراهم ساخته و یا حتی آن را با توجیهات گوناگون (من جمله رهایی از درد و رنج ناشی از بیماری و ...) به دیگری تفویض نماید. هر چند که جرم و قابل مجازات نبودن خودکشی به این علت باشد که مجازات خودکشی بی فایده و غیرعادلانه بنماید؛ بی فایده از این جهت که مقصر، مرده است و دیگر، وجود ندارد و غیر عادلانه از آن حیث که صدمه آن متوجه افراد بی‌گناه می‌شود و جنبه بازدارندگی ندارد، اما خودکشی نافرجام که در آن منتحر زنده می‌ماند، دعوت به خودکشی دیگری، اکراه به خودکشی، تظاهر به خودکشی (در قالب فعل حرام)، خودکشی مادر باردار، خودکشی حاجب از ارث و مسایلی از این دست، می‌تواند ذهن هر حقوقدانی را در مواجهه با آثار و تبعات منفی ناشی از این موضوع به خود مشغول ساخته و لاجرم به سوی تجریم این رفتار نهی شده رهنمون سازد.

شایان ذکر است قانون‌گذار در سال‌های اخیر با وضع و تصویب مواد مختلفی نظیر ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای (مصوب ۱۳۸۸) و به ویژه بند «ب» آن، همچنین مواد ۲۹۵ و ۳۷۹ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) با ذکر و استعمال واژگان و تعبیری عام و در عین حال تفسیرپذیر، سعی در إلقاء این مفهوم نموده که اشکال مختلف خودکشی (جدای از فضای مجازی) و با پرهیز از بعضی تعارضات فقهی - حقوقی موجود در این زمینه قابلیت جرم انگاری را خواهد داشت چرا که فلسفه اصلی جرم انگاری در ممالکی که تحت تأثیر قواعد اخلاقی و انسانی منبعث از اسلام و سایر ادیان آسمانی هستند، حمایت از نقض ارزش‌های اخلاقی و کرامت انسانی و برقراری تعادل و نظم همگانی فراگیر در اجتماع می‌باشد که بدون تردید مواجهه کیفری با خودکشی و اقسام متعدد و متنوع ارتکاب آن می‌تواند مقنن را به اهداف فوق‌الاشاره نایل سازد.^۱

لذا در این گزیده سعی گردیده تا با بیان برخی از مستندات و تحرکات حقوق جزایی بر لزوم جرم انگاری این رفتار (در برخی از اشکال و حالات) اشاره شود.

^۱ - پر واضح است جهت توجیه لزوم جرم انگاری در خصوص خودکشی، قلمرو و اطراف آن می‌بایست این عمل را همانند حقوق برخی کشورها نه نوعی از «مردن»، بلکه شکلی از «کشتن» و یا «قتل» فرض نماییم چرا که در خودکشی، قاتل به جای تعرض به حیات دیگری، متعرض حیات خود گشته و به قتل خویش مبادرت می‌ورزد.

مداخله کنندگان و عوامل دخیل در خودکشی

گاهی فرد، بدون مداخله هیچ عامل (انسانی) دیگر به زندگی خویش پایان می‌دهد و هنگامی شخص با مشارکت فرد دیگری این کار را به سرانجام می‌رساند. زمانی افراد بدون این که فرد را در اجرای افعال (و یا ترک افعال) مادی قتل خودشان مشارکت دهند به نحوی وقوع آن را تسهیل کرده و یا وسایل ارتکاب آن را برای خود، فراهم می‌سازند و زمانی نیز وقوع خودکشی، نتیجه و معلول عمل کس یا کسان دیگری است که برای فرد خودکشی کننده راه حلی جز آن باقی نمانده است. اکراه بر خودکشی، تظاهر به خودکشی و خودداری از کمک به فرد در معرض خودکشی هم از جمله شقوق مختلف و در عین حال، متنوع ارتکاب این رفتار ممنوعه می‌باشند.

مباشرت در خودکشی

هر چند برخی از حقوقدانان بر این عقیده‌اند «خودکشی تام» جرم نبوده و مجازاتی ندارد زیرا اعمال کیفر نسبت به خودکشی کننده واجد جنبه پیشگیری نیست و هر نوع عکس العمل قانونی، موجب لطمه مادی و معنوی فامیل و بستگان وی خواهد شد^۱. لیکن از غیر قابل مجازات بودن خودکشی نباید چنین نتیجه گرفت که سایر صدمات بدنی شخصی در صورتی که کسی به انگیزه خاص، شخصاً به خود وارد می‌کند (مثل این که آگاهانه عضوی از اعضای بدن خود را به منظور فرار از انجام خدمت وظیفه عمومی ناقص نماید) قابل مجازات نیست بلکه این قبیل صدمات شخصی بدنی به عنوان عمل مجرمانه، ممنوع و قابل مجازات می‌باشند (گلدوزیان، ۱۳۹۶)^۲.

بحث در جایی است که شخص اقدام به خودکشی کرده ولی زنده مانده است. آیا در این فرض می‌توان اقدام به جرم انگاری آن میزان از رفتار نمود؟

از آن جایی که مقنن نه خودکشی و نه شروع به آن را جرم نشناخته است نمی‌توان فردی را که در پایان دادن به زندگی خود، موفق نشده است تحت تعقیب قرار داد. ولی با این وجود قانون گذار در مواردی، [اورود] صدمه جسمانی به خود را جرم دانسته و می‌توان فردی را که در پایان دادن به زندگی خود، ناموفق بوده در صورت تطبیق با این موارد تحت تعقیب قرار دارد. به عنوان نمونه می‌توان به ماده ۵۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح اشاره نمود (مظاهری طهرانی، ۱۳۸۵).

اگرچه برخی بر این باورند که به دلیل فقدان وجودی خودکشی کننده در خودکشی تام جهت برخورد قانونی، جرم ندانستن خودکشی امری منطقی به نظر می‌رسد ولی چنین می‌نمایاند که با عنایت بر حرمت

^۱ - «بکاریا» معتقد است؛ «خودکشی جرمی است که به نظر نمی‌آید بتواند موجب کیفری به معنای اخص شود زیرا این کیفر جز بر سر مردمی بی گناه (اقوام و خویشان متحر) یا بر پیکیری سرد و بی حس فرود نمی‌آید. اگر در مورد اخیر، مجازات از تازیانه زدن بر تندیس بی جان تأثیر بیشتر بر موجودات جاندار ندارد در مورد نخست، اجرای مجازات بیدادگرانه و جابرانه است. اگر بر من خرده گیرند که این کیفر می‌تواند با این حال، انسانی را که تصمیم به خودکشی گرفته از این کار باز دارد در پاسخ می‌گویم کسی که از لذات زندگی به آرامی چشم می‌پوشد و از زندگی دنیای درون، متفر است به حدی که بدبختی ابدی را بر آن برتری می‌دهد، مسلماً از اندیشه مجازات فرزندان یا خانواده‌اش که دور از ذهن و کم تأثیر است پریشان نخواهد شد». (بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه: اردبیلی، محمد علی، نشر میزان، چاپ هفتم، تابستان ۱۳۹۳، صص ۱۱۸ و ۱۱۴)

^۲ - مواد ۵۹ و ۳۳ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح (مصوب ۱۳۷۱) و ۵۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح (مصوب ۱۳۸۲).

آکید خودکشی در اسلام، جرم انگاری شروع به خودکشی، حداقل با اِعمال تدابیر و اقدامات تأمینی و تربیتی و در قالب خدمات کلینیکی و پاراکلینیکی و نیز مراقبت‌های پزشکی و روانپزشکی در مورد شخصی که در اقدام به خودکشی، ناموفق بوده است واکنش علمی، منطقی و در عین حال مفید به حال فرد و جامعه قلمداد شود.

شرکت در خودکشی

با توجه به این که جرم بودن عمل اشتراکی از جمله شرایط تحقق شرکت در جرم است و همان طور که می‌دانیم خودکشی براساس قوانین جاری کیفری ایران، عملی مجرمانه نیست لذا حکم شرکت در خودکشی را با توجه به وجه مشترک آن با قتل که همان «اخراج روح» می‌باشد بایستی در موارد مربوط به قتل جستجو کرد. حکم شرکت در جنایت (که قتل هم جزئی از آن است) در ماده ۳۶۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، ذیل فصل ششم و تا انتهای ماده ۳۷۴ آماده است.

به نظر می‌رسد بایستی با شرکای در خودکشی براساس این مواد برخورد کرد، چرا که از طرفی هرگونه همکاری با کسی که دست به خودکشی می‌زند جرم محسوب می‌شود. فرض شرکت در خودکشی به این صورت قابل تصور است که فردی یک سر طنابی را که به گردن خود پیچیده است به دیگری داده و سر دیگر طناب را نگهداشته و هر دو نفر با کشیدن دو سر طناب، موجبات مرگ خودکشی کننده را فراهم سازند [که] به نظر می‌رسد در این فرض، اولیای دم مقتول بتواند نصف دیه قاتل را به وی پرداخت کرده و او را قصاص نمایند (گلدوزیان، ۱۳۹۶).

تسبیب در خودکشی

در خصوص تسبیب و ضمان ناشی از آن دو قاعده کلی وجود دارد که فهم آن حائز اهمیت است اول این که؛ هر کاری که انجام آن از لحاظ موازین و مقررات شرعی (و البته قانونی) مجاز و مأذون باشد چنان چه موجب تلف شود مسئولیت کیفری نداشته و ضمان آور نیست. دوم آن که انجام هر کاری که از نظر شرعی و قانونی هیچ جواز و إذنی در آن نمی‌باشد (چنان چه موجب تلف گردد) از حیث کیفری، مسئولیت در پی داشته و موجب ضمان خواهد بود (گلدوزیان، حسین زاده، ۱۳۹۶).

با توجه به ضرورت اختیار مرتکب در تحقق خودکشی، هر عاملی که عمد یا اختیار وی را متزلزل یا زایل نماید موجب انتفاء عنوان خودکشی در این مفهوم خواهد بود. بنابراین تسبیب در خودکشی در فرضی مصداق دارد که مرتکب، قاصد و یا مختار نبوده بلکه در اثر فریب یا اجبار دیگری مبادرت به سلب عمدی حیات از خود می‌کند. در یک مفهوم کلی‌تر می‌توان گفت اگر خودکشی ناشی از سببی باشد که تأثیر آن از مباشرت، بیشتر باشد مسبب به عنوان قاتل عمدی، قابل تعقیب خواهد بود ولی تأثیر سبب و تشخیص اقوی بودن آن از مباشرت به راحتی میسر نیست و از مشکلات حقوق جزا است. فرض کنید دختری عقیف مورد تجاوز جنسی و ناموسی قرار می‌گیرد و وی به خاطر آبروی از دست رفته خود، دست به خودکشی می‌زند یا این که دختری پاکدامن در چنگال مردی شرور گرفتار می‌شود و به منظور حفظ عفت و شرافت خود، خویشتن را از پنجره ساختمانی به پایین پرتاب می‌کند و می‌میرد یا این که برای تن دادن به رابطه جنسی ناخواسته سیم برق را در دست می‌گیرد و با [جریان] برق، خودکشی می‌کند یا شخصی در اثر صدمات

جسمانی شدید به شدت مصدوم می‌شود به نحوی که او به دلیل آلام غیر قابل تحمل، دست به خودکشی می‌زند^۱ (مظاهری طهرانی، ۱۳۸۵).

معاونت در خودکشی

بنابر قوانین کیفری موجود، هر گاه عملی قانوناً جرم تلقی نشود إحتراز معاونت آن هم قابل تصور نیست. در مسأله معاونت در خودکشی، چون نفس ارتکاب خودکشی را قانون‌گذار جرم و قابل مجازات اعلام نکرده است به تبع آن معاونت در خودکشی نیز جرم تلقی نشده و فاقد کیفر است (ولیدی، ۱۳۸۰).

با این حال، استناد به قواعد عام معاونت و پیروی از نظریه معاونت «استعاره‌ای یا عاریتی» در برابر اقدامی که از نظر شرعی، اخلاقی و نظم عمومی مردود است چندان قابل قبول نیست. قانون‌گذار در پاره‌ای از موارد، معاونت در جرم را به عنوان یک جرم خاص مورد توجه قرار داده و عملی را که ماهیتاً از مصادیق معاونت در جرم است نه به عنوان معاونت بلکه به عنوان جرم مستقلی مجازات می‌کند. به عنوان نمونه در قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، قانون‌گذار در مواد متعددی تهیه وسایل ارتکاب جرم یا ارائه طریق ارتکاب آن را به عنوان جرم مستقل پذیرفته است. مانند مواد ۶۲۳ و ۶۲۴ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲). در حوزه‌های امنیتی نیز قانون‌گذار در مواردی، تحریک به ارتکاب جرم را که از مصادیق معاونت در جرم است مستقلاً جرم انگاری کرده است و منتظر وقوع رفتارهای مجرمانه‌ای که معاون خواستار آن شده نمی‌نشیند. به عنوان مثال، ماده ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) برای کسی که مردم را به قصد بر هم زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار با یکدیگر اغواء یا تحریک کند، صرف نظر از این که موجب قتل و غارت بشود یا نشود مجازات یک تا پنج سال حبس را تعیین کرده است.^۲ البته در برخی موارد، قانون‌گذار مصادیق رفتاری معاونت را حتی فراتر از آنچه قانون مجازات اسلامی مقرر نموده پیش‌بینی کرده است. به عنوان مثال، مطابق بند ۶ ماده واحده قانون مجازات اخلال‌کنندگان در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تأسیسات هواپیمایی (مصوب ۱۳۴۹/۱۲/۴)، کسانی که از تهیه و تدارک آلات و اسباب جرم یا مقدمات ارتکاب جرایم مندرج در این قانون مطلع شده و جریان را به مقامات ذیصلاح اعلام ننمایند به مجازات معاون محکوم خواهند شد.^۳

^۱ - در موارد دیگری مثل «دختران فراری» که اقدام به خودکشی می‌کنند نیز قاضی می‌تواند مسبب [مسببین] فرار و این خودکشی را که معمولاً پدران و مادران هستند به اتهام «کودک آزاری» تحت پیگرد قرار دهد. (کیخا، حسن، خودکشی در حقوق جنایی، انتشارات خرسندی، چاپ اول، ۱۳۹۵)

^۲ - قانون‌گذار گاه در برخی از قوانین متفرقه نیز از این رویه متابعت نموده است همانند ماده ۴۰ قانون گذرنامه (مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۰) و ماده ۲۵ قانون مطبوعات (مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲).

^۳ - بزه «عدم اعلام جرم» بعضاً در مقررات کیفری ایران به چشم می‌خورد اما بند فوق‌الذکر در زمره موارد بسیار شاذ و نادری است که عدم اعلام جرم را نسبت به همگان جرم دانسته است و حال آن که در سایر موارد، عدم اعلام جرم فقط نسبت به برخی افراد، جرم تلقی شده است مانند عدم اعلام جرایمی نظیر ارتشاء، اختلاس، تصرف غیرقانونی یا کلاهبرداری در ادارات دولتی که مطابق ماده ۶۰۶ قانون تعزیرات، منحصراً نسبت به رؤسا یا مدیران یا مسئولین سازمان‌های دولتی، جرم تلقی شده است (میرمحمد صادقی، حسین - ایزدیار، علی، مقاله «خودکشی مساعدت شده پزشکی: از مبانی جرم انگاری تا واکنش کیفری»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال نهم، شماره سی و دوم، بهار ۱۳۹۴، توضیحات ذیل پی نوشت شماره ۱۷، ص ۱۹۸).

مقنن ایرانی در بحث معاونت در جرم نه به نحو إطلاق، مستقل بودن آن را نفی کرده و نه مطلقاً آن را پذیرفته است بلکه این معاونت بستگی به نوع جرم و شرایط تحقق آن دارد. اما آن چه که از مواد قانونی مذکور مهم‌تر بوده و مرتبط با موضوع تحقیق حاضر نیز می‌باشد ماده ۷۴۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) است.^۱

هر چند که این اقدام قانون‌گذار در سال ۱۳۸۸ می‌تواند فتح بابی باشد جهت جرم‌انگاری سایر صور و اشکال خودکشی ولیکن پرسشی که می‌تواند در این خصوص مطرح شود آن است که چرا در حالی که اساساً خودکشی جرم نبوده و بالتبع معاونت در آن از طریق مادی همچون اعطاء سلاح و سم قاتله، تحریک و تشویق و ... جرم‌انگاری نشده و ارتکاب آن‌ها جرم محسوب نمی‌شود وفق بند «ب» ماده موصوف، معاونت در خودکشی از طریق «سامانه‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده» جرم‌انگاری شده است با این که ممکن است این قبیل اعمال از هزاران کیلومتر دورتر انجام گرفته و مرتکبین آن نیز هیچ‌گاه شناخته نشوند؟! به دیگر سخن، هنگامی که معاونت در خودکشی، ضمن پذیرش قبح عقلی و شرعی آن می‌تواند با استفاده از سامانه‌های مذکور، جرم باشد چرا بدون استفاده از آن‌ها جرم تلقی نشود؟

اولاً؛ نمی‌توان پاسخ روشنی برای این تناقض آشکار ارائه نمود بالأخص با توجه به این که قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) نسبت به ماده ۱۵ قانون مذکور، مؤخر بوده و قانون‌گذار در قانون مؤخر التصویب کماکان بر رویه سلف گذشته عمل کرده و معاونت در خودکشی به روش‌های سنتی را جرم‌انگاری نکرده است. ثانیاً؛ ممکن است گفته شود موضوع ماده مذکور اساساً از مصادیق معاونت به عنوان جرم مستقل می‌باشد بدین توضیح که؛ چون معاونت در جرم، جرم است پس باید (نفس) خودکشی هم جرم باشد تا معاونت در آن مصداق یابد در غیر این صورت مصداق ندارد. ممکن است قانون‌گذار پیش‌بینی کرده باشد که اگر کسی «تحریک مؤثر» به خودکشی کند مرتکب، قابل مجازات است. اگرچه اصطلاحاً می‌گویند «معاونت در خودکشی»، ولی این اصطلاح از لحاظ حقوقی صحیح نیست بلکه یک جرم مستقل است یعنی اگر عمل تحریک کننده به خودکشی، معاونت و شرکت در خودکشی نیست ولی جرم است پس باید این عمل جرم مستقل باشد (ساوالانی، ۱۳۹۲). [در نتیجه] به نظر می‌رسد که این جرم، یک جرم خاص و مستقل است که تحقق آن حتی نیاز به رخ دادن خودکشی ندارد (کیخا، ۱۳۹۵) و از آن جایی که نفس مساعدت کردن در خودکشی دیگری با قطع نظر از نوع آلت جرم (یعنی چه از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی صورت گرفته باشد چه به طرق دیگر)، مذموم و ناپسندیده بوده و طبعاً مستوجب مجازات است و علت این که قانون‌گذار، جرم‌انگاری این اقدام را مقید به ارتکاب آن از طریق سامانه‌های مذکور نموده است [صرفاً] ذکر این ماده در قانون «جرایم رایانه‌ای» است (میرمحمد صادقی، ایزدیاری، ۱۳۹۴)، جدای از پذیرش ارتکاب خودکشی به مثابه رفتاری قبیح از نظر عقلی و شرعی، نشان‌دهنده آن است که دیگر، ارتکاب خودکشی از طریق سامانه‌های رایانه‌ای، مخابراتی یا حامل داده نباید موضوعیتی داشته باشد. معهداً این پرسش اساسی کماکان باقی است که اگر معاونت در خودکشی به عنوان جرم مستقل، مفید و ضروری می‌باشد چرا در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) نیز پیش‌بینی نگردیده است؟!^۲

^۱ - ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای (مصوب ۱۳۸۸/۳/۵).

^۲ - برخی از اساتید حقوق جزا هم چون دکتر آزمایش معتقدند عدم جرم‌انگاری خودکشی در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) فلسفه خاصی ندارد زیرا از آن جایی که قانون جرایم رایانه‌ای (و بالأخص مبحث تحریک و ... دیگری به خودکشی از طریق سامانه‌های رایانه‌ای، مخابراتی و یا حامل‌های داده) ترجمه متون جزایی فرانسه است، مترجم قسمت مربوط به خودکشی را که می‌بایست وارد متن قانونی جزای حاضر ما می‌شد ترجمه ننموده است.

تظاهر به خودکشی^۱

با توجه به تحریم اکید خودکشی که از اصل «حرمت إضرار به نفس» و قواعد فقهی نظیر «کل من إرتکب حراماً فلإمام تعزیره» یا «کَلِمَا أضر بالبدن فهو حرام» قابل استنباط و استنتاج می‌باشد، تظاهر به ارتکاب خودکشی در قالب فعل «صرفاً حرام» و نه «غیرقانونی و غیر مجرمانه» را می‌توان تحت عنوان یک جرم مستقل و در عین حال خاص، شایسته جرم انگاری دانست یا همانند برخی جرایم علیه امنیت ملی، اعمالی را که از حیث رکن مادی حتی در حد «شروع به جرم» هم نیستند مثل ماده ۵۰۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵)، جرم و مستوجب مجازات تلقی نمود یا خیر؟

«تظاهر به عمل حرام» در این ماده به معنی وانمود کردن ارتکاب عمل حرام نیست بلکه مرتکب باید عمل حرامی را «واقعا» در اُنظار و معابر عمومی مرتکب شود و صرف وانمود کردن ارتکاب فعل حرام را نمی‌توان مشمول مقررات این ماده دانست. حرامی که به آن تظاهر می‌گردد باید در قوانین و مقررات موضوعه جرم باشد تا مشمول شق اول ماده ۶۳۸ شود و در صورتی که فعل ارتکابی در قوانین موضوعه جرم نباشد و نفس ارتکاب آن نیز به گونه‌ای نباشد که «عفت عمومی» را جریحه‌دار کند (مانند خوردن گوشت خوک در اُنظار عمومی) مشمول مقررات این ماده نخواهد بود (باری، ۱۳۹۲). اداره حقوقی قوه قضائیه نیز طی نظریه مشورتی شماره ۷/۲۵۳۰-۷/۱۳۷۲/۴/۷ در این زمینه اعلام داشته: «ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات (۶۳۸) قانون مجازات اسلامی (۷۵)، حکم دو مورد را بیان کرده است: اول، تظاهر به عمل حرامی که آن عمل دارای کیفر است مانند تظاهر به شرب خمر. در این مورد علاوه بر کیفر عمل، تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیراً به مرتکب زده می‌شود. دوم، تظاهر به عمل حرامی که دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه‌دار می‌نماید. مجازات آن فقط تا ۷۴ ضربه شلاق است، اما اگر عمل حرام دارای کیفر نباشد و عفت عمومی را هم جریحه‌دار ننماید ماده ۱۰۲ (۶۳۸) قانون مجازات اسلامی (۷۵) شامل آن نمی‌شود» (شهری، ستوده جهرمی، ۱۳۷۵).

هر چند که نه در قانون مجازات اسلامی و نه در سایر قوانین موضوعه تعریفی از «علنی بودن» و یا «در اُنظار عمومی» به عمل نیامده ولیکن منظور از آن نوعاً به مکان‌هایی گفته می‌شود که مردم، بدون داشتن و نیاز به إذن و اجازه، حق حضور در محل مذکور را بیابند.^۲ با این وجود اگر فردی در اماکن، معابر و یا اُنظار عمومی به گونه‌ای وانمود کند که قصد خودکشی دارد و عملیات اجرایی در این خصوص را نیز آغاز کرده باشد لکن خودکشی واقع نگردد به نظر می‌آید عنصر مادی جرم در این مورد محقق گردیده و شخص مرتکب، قابل مجازات به صراحت ماده مذکور خواهد بود. هر چند که در دیدگاهی دیگر، با توجه به ماده مورد اشاره منظور از تظاهر این است که شخص، رفتار را که همان فعل حرام است انجام و به عملیاتی کردن آن خود را نشان دهد و به مفهومی، جرم در حال ارتکاب بوده یا ارتکاب یافته باشد و به مردم چنین وانمود نماید که این جرم را انجام داده است.

^۱ - «suicide gesture»؛ اقدام به خودکشی یا سایر رفتارهای خود تخریبی معمولاً برای جلب توجه و کمک دیگران بدون قصد جدی در کشتن خود.

^۲ - [هم چنین] مقصود از «معابر» اعم است از کوچه، خیابان، گذر و میدان و اعم است از این که معبر در داخل شهر باشد یا خارج آن و از طرف دیگر، حضور یا عدم حضور شاهد در حین ارتکاب جرم، شرط نیست (پاد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۵۲، ص ۳۶۸).

عملی که مرتکب انجام می‌دهد موجب بر هم زدن نظم عمومی جامعه و إخلال در نظم می‌شود لذا می‌توان رفتار مرتکب را با ماده ۶۱۸ قانون تعزیرات منطبق دانست در غیر این صورت با در نظر داشت دیدگاه‌های مختلف و وجود شبهه و رعایت قاعده «درء»، همچنین إعمال تفسیر مضیق در این فقره نمی‌توان شخص متظاهر به خودکشی را مستوجب مجازات و کیفر دانست.

نتیجه گیری

۱ - بررسی مبانی ساختاری جرم انگاری در حقوق کیفری اسلام، نشان از حرمت دینی اعمالی نظیر «دعوت»، «تحریک»، «تشویق»، «ترغیب»، «تهدید» و ... دیگری به ارتکاب خودکشی و در نتیجه امکان ورود آن به حوزه حقوق جزا دارد. البته چنین اقدامی در نهایت، همانند تمامی حوزه‌های حقوق کیفری نیازمند ریزبینی، ظرافت عمل و دقت فراوان در تدوین مقرراتی جامع و مانع است.

۲ - نظر به اهمیت و خطر پاره‌ای از رفتارهای مجرمانه بدون این که مباشرت مادی در تحقق عمل مجرمانه مطرح باشد قانون‌گذار بعضی از مصادیق معاونت در جرم را به عنوان جرم مستقل شناخته است. بدین ترتیب که بدون توجه به جرم اصلی، معاون جرم را که صرفاً موجب وقوع جرم از طریق تحریک، ترغیب، تهدید، تطمیع، دسیسه و فریب و نیرنگ، ایجاد تسهیل در وقوع جرم، تهیه وسایل و یا ارائه طریق ارتکاب جرم گردیده به عنوان مباشر یک جرم خاص، مستوجب تعقیب و کیفر می‌داند که خودکشی نیز با توجهات معنون در بخش جرم انگاری می‌تواند از این قبیل موارد خاص باشد که مقنن از اصل کلی عاریتی بودن، عدول کرده است.

پیشنهادهای

با نگاهی مبتنی بر آموزه‌های سیاست جنایی اسلام می‌توان اذعان داشت که مقوله جرم و گناه در هم آمیخته و ضمن وجود رابطه عموم و خصوص مطلق بین این دو گزینه غالب گزاره‌هایی که از منظر دینی گناه محسوب می‌شوند به وصف کیفری نیز متصف اند. بر این اساس، شناسایی مواردی که گناه محسوب می‌شوند (من جمله خودکشی و اقدام به آن) و امر به عدم وقوع و نهی از دستیازی به آن می‌تواند به سهم خود در پیشگیری از خودکشی و در نتیجه کاهش گناه ناشی از این عمل (به مفهوم اعم) و جرم احتمالی حاصل از آن (در معنای اخص) مؤثر باشد.

با توجه به این که در قوانین کیفری جاری، خودکشی جرم نیست و بنابر نظریه معاونت استعاره‌ای (عاریتی)، کمک به فرد در پایان دادن به زندگی خود و نیز شروع به آن نمی‌تواند جرم و قابل مجازات باشد و از آن جایی که این دیدگاه این تفکر را القاء می‌کند که جرم نبودن خودکشی و به تبع آن معاونت و شروع به خودکشی به منزله شناختن حق مالکیت فرد بر جسم و جان خود است لذا پیشنهاد می‌گردد با توجه به تحریم آکید خودکشی در شرع مقدس اسلام و نیز برخورد منفی افکار عمومی با آن رفتار معنون به عنوان جرم، اعلام گردند.

جرم انگاری خودکشی از یک سو منطبق با اصول موجهه جرم انگاری (مانند اصل صدمه یا زیان، پدر سالاری قانونی، اخلاق گرایی قانونی و کرامت انسانی) است و از سوی دیگر متکی به مبانی مستحکم فقهی (همچون قاعده حرمت إعانت بر إثم، احترام خون مسلمان و تعزیر فعل حرام) می‌باشد که این که پیش‌بینی جرمی مشابه در ماده ۷۴۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵، ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای ۱۳۸۸)، خود گواهی بر این مدعاست. در نتیجه پیشنهاد می‌گردد قانون‌گذار یا به موجب یک قانون خاص (در مواردی که ناظر بر «خودکشی مساعدت شده پزشکی»، «تحریک، ترغیب و یا تشویق به خودکشی»، «اکراه

به خودکشی» و «تسبیب در خودکشی» می‌باشد) یا با پیش‌بینی ماده‌ای در ذیل «جرایم علیه اشخاص و اطفال» در قانون مجازات اسلامی (تعمیرات ۱۳۷۵) اقدام به جرم انگاری این عمل نماید. بایسته هست دولت اقدام به تأسیس مراکز مداخله در بحران خودکشی در مراکز نظیر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی یا سازمان بهزیستی کشور نموده و از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود در NGO ها و سازمان‌های مردم‌نهاد نیز غافل نباشد تا در صورتی که فرد، تصمیم به خودکشی می‌گیرد با مراجعه به آن مراکز بتواند از تدابیر حمایتی لازم برخوردار گردد چرا که قطعاً اقدام این قبیل مراکز در جهت ایجاد سلامت روانی شخص و عدم اقدام به خودکشی تأثیرگذار بوده و می‌تواند به کاهش چشمگیر تکرار خودکشی کمک‌های شایانی کند.

می‌توان در راستای پیشگیری از خودکشی ضمن توجه به ظرفیت‌های موجود در نظام کیفری ایران به ویژه بند «ب» ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای (مصوب ۱۳۸۸) و سایر قوانین موجود، اقدام به فیلترینگ (مسدود ساختن) سایت‌هایی نمود که به «آموزش خودکشی» و مسائل مرتبط با آن اختصاص دارند.

با توجه به قابل پیشگیری بودن پدیده خودکشی، برخی از راه‌های پیشگیرانه عبارت خواهند بود از: تقویت ایمان مذهبی، توجه به خدا و قیامت و زندگی پس از مرگ، توجه و تأمین وضع معیشتی مردم، برقراری تفاهم اخلاقی در اعضای خانواده و رعایت احترام به یکدیگر، احترام به والدین و محبت به فرزندان، شرکت در کارهای دسته‌جمعی مانند بازهای سالم و در عین حال، مفرّح، ازدواج، رفتن به اردوهای علمی، زیارت اماکن مقدس، صلح رحم و رفت و آمد با بستگان، دوستان و افراد موثق و مورد اطمینان، کنار نهادن آرزوهای بزرگ و طولانی و دور از دسترس و تقویت حس واقع‌بینی، مقایسه نکردن امور معیشتی و مالی خویش با دیگران به ویژه با آنانی که از نظر مادی در وضع بهتری هستند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن مجید
۲. آقائی نیا، حسین (۱۳۹۲). حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه اشخاص (جنایات). تهران: نشر میزان.
۳. باتمانی، رضا. (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی خودکشی، خودزنی و دگرزنی. تهران: انتشارات آریاداد.
۴. بکاریا، سزار. (۱۷۶۴). رساله جرایم و مجازات‌ها. (محمد علی اردبیلی، ۱۳۹۳). تهران: نشر میزان.
۵. شریفی خضارتی، امیر. (۱۳۹۳). خودکشی (مطالعه جرم‌شناسی، فقهی و حقوقی). تهران: انتشارات اندیشه عصر.
۶. شهری، غلامرضا؛ ستوده جهرمی، سروش. (۱۳۷۷). نظریه‌های اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری از سال ۵۸ تا ۷۱. تهران: روزنامه رسمی.
۷. زراعت، عباس. (۱۳۹۲). شرح مختصر قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲). تهران: انتشارات ققنوس.
۸. عوده، عبدالقادر. (۱۴۰۳). حقوق جنایی اسلام. (اکبر غفوری، ۱۳۷۳). مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
۹. کیخا، حسن. (۱۳۹۵). خودکشی در حقوق جنایی. تهران: انتشارات خرسندی.
۱۰. گلدوزیان، ایرج. (۱۳۹۶). حقوق جزای اختصاصی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. گلدوزیان، ایرج. (۱۳۹۲). محشای قانون مجازات اسلامی. تهران: انتشارات مجد.
۱۲. گلدوزیان، ایرج. (۱۳۹۶). بایسته‌های حقوق جزای عمومی. تهران: نشر میزان.

۱۳. گلدوزیان، ایرج؛ حسین زاده، پیمان. (۱۳۹۶). بسیط در قانون مجازات اسلامی. تهران: انتشارات جاودانه.
۱۴. ماهیار، آذر؛ نوحی، سیما؛ شفیعی، علیرضا. (۱۳۸۵). خودکشی. تهران: انتشارات ارجمند.
۱۵. مرادی، حسن. (۱۳۹۶). حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه اشخاص (جنایات). تهران: نشر میزان.
۱۶. ولیدی، محمد صالح. (۱۳۸۸). بایسته های حقوق جزای عمومی. تهران: انتشارات جنگل.

مقالات

۱۷. جعفر زاده، جعفر؛ آری، محمود؛ ابوالحسینی، علی اکبر؛ علی تبار فیروز جانی، محمد باقر. (۱۳۹۶). ۲۸. ادله حرمت خودکشی و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران. (فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی)، سال سیزدهم، شماره چهل و نه: صفحه ۵۷ تا ۷۰.
۱۸. سروی پور، پگاه. (۱۳۸۹). بررسی خودکشی از دیدگاه فقه جزایی و حقوق کیفری ایران. (اصلاح و تربیت)، شماره ۸۹: صفحه ۱۸ تا ۲۵.
۱۹. شفیعی مازندرانی، سید محمد. (۱۳۸۹). ممنوعیت خودکشی از دیدگاه فقه اسلامی. (پژوهش های فقهی)، سال ششم، شماره اول: صفحه ۳۹ تا ۵۳.
۲۰. کشوری، پوریا. (۱۳۹۱). خودکشی در حقوق کیفری ایران (دادرسی)، سال شانزدهم، شماره ۹۵: صفحه ۳۶ تا ۳۷.
۲۱. محمدی، سید باقر. (۱۳۸۲). حق حیات انسان در اسلام. (صراط)، شماره ۱۳: صفحه ۹۴ تا ۱۲۷.
۲۲. میر محمد صادقی، حسین؛ ایزدیار، علی. (۱۳۹۴). خودکشی مساعدت شده پزشکی: از مبانی جرم انگاری تا واکنش کیفری. (حقوق پزشکی)، سال نهم، شماره سی و دوم: صفحه ۱۶۱ تا ۲۰۵.

پایان نامه ها

۲۳. محمدی زاویه، معصومه. (۱۳۹۰). مطالعه حقوقی - جرم شناختی خودکشی. پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق، گرایش جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.
۲۴. مظاهری طهرانی، مسعود. (۱۳۸۵). جایگاه حق مرگ در حقوق کیفری. پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق، گرایش جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه قم.